

فرهنگنامه ایران

با نگارهائی از

شاخاب پارس (خلیج فارس)

کاری از : میلاد منصوری

انتشارات بهزاد

سرشناسه: منصوری، میلاد، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگنامه ایران با نگارهایی از شاخاب پارس (خلیج فارس) / کاری از میلاد منصوری.
مشخصات نشر: تهران: بهزاد، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.
شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۵۶۹ - ۸۹ - ۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: فارسی - واژه نامه ها - پهلوی
موضوع: فارسی - واژه نامه ها
رده بندی کنگره: PIR ۱۹۴۵/۸م ف ۱۳۸۹
رده بندی دیویی: ۰۷۳۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۸۵۸۰۲

انتشارات بهزاد

میدان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، جنب اداره پست، پست گرانفر، پلاک ۴، تلفن:
۶۶۴۱۳۶۲۴ - فاکس: ۶۶۹۶۵۳۳۰

نام کتاب: فرهنگنامه ایران

نویسنده: میلاد منصوری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نگارنده جلد: میلاد منصوری

بهاء: ۵۲۰۰ تومان

رایان پیک: milad.mansory0@gmial.com

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۵۶۹ - ۸۹ - ۲

فهرست

گشادنامه رویه

بخش نخست : واژگان

۸۰	۱. آ
۳۵	ب / ث
۶۳	ج / خ
۸۷	د / ذ
۹۳	ر / ژ
۱۰۰	س / ش
۱۱۴	ص / ض
۱۲۴	ط / ظ
۱۳۰	ع / غ
۱۵۰	ف / ق
۱۷۵	ک / گ
۱۸۴	لام
۱۸۹	میم
۲۴۵	نون
۲۷۸	واو
۲۸۵	ه / و

بخش دوم : نگاره های شاخابپارس (خلیج فارس) ۲۹۰

پیوست ها ۳۱۷

پیشگفتار

با درود فراوان به دوستان ارجمندی که این کتاب را برگزیده اند برای خواندن. خوبانی که بیگمان دوستدار ایران زمین هستند. این خوبان که مردمانی از دوران آریانیان وباستان همیشه در زیر نگین ایزد منان بودند چنانکه ایزدهستی بخش اندیشه ی رشد و بالندگیه آئمی را در این خاک پاک برگزید و نهاده شده. این مردمی که یادگار هندورانی و ماد اند و پارس و پارت و خوارزم و سغدی و آذری و ختنی و تا کرد و بلوچ و پشتو و وخی و آسی و ... هستند همیشه در پناه فیروزگر بزرگ باشند. تلاش شبانه روزی فراوانی برای گردآوری این کتاب کرده ام هرچند که خستگی را به خود ندیدم و امروز که شما این کتاب را میخوانید شادتر از دیروزم میشوم.

تا جانی که توانسته ام درونمایه کتاب را روان و ساده بیان کرده ام و نوشته ام ولی باز هم نیاز به چند راهنمایی میباشد که در دنباله به آنها پرداخته ام :

۱. در روبروی برخی از واژه ها که پهلوی یا پارسی پهلوی نوشته شده نه اینکه در زمان باستان یا پهلویان همان واژه بکار برده میشد بلکه از ریشه پهلوی گرفته شده ولی ناگفته نماند که برخی دیگر از واژه ها هم همانند گفتار زمان باستان و پهلویان نوشته شده. اینگونه بگویم که نگران نباشید هر واژه ای که برابراش نوشته شده پارسی(باستان/ اوستا/ پهلوی/ سنسکریت/سغدی/...) است چنانچه خود واژه گفته شده باشد یا از ریشه آن آمده باشد.

۲. ممکن است با واژه ای مانند طبیعت برخورد کنید و ببینید که چند چم و برابرهای گوناگونی برایش آمده است. چونکه ما برداشتهای گوناگونی از یک واژه داریم مرا وادار ساخت تا برابرهایش را بگویم. در دو نیمبند هفم را بشما میرسانم: (طبیعت جنگل زیباست) (طبیعت آدمی خداجوست).

برای ساختن برابرهایی برای واژه های بیگانه از دیگر گویشهای پارسی همانند کردی و بلوچی و گیلکی و آذری و ... فراوان بهره برده ام و یادتان باشد که در این گویشها بویژه بلوچی واژه های دستخورده از دوران پهلویان و باستان هنوز برزبان مانده. در شهرستانها و روستاها هم از این گونه واژه ها فراوان یافت میشود مانند وات خوابیدن که در بخشهایی از دماون به خوابیدن dakhosbidan هم میگویند یا بهتر است بگویم میگفتند که پس از پژوهشهایی که کردم دریافتم که از ریشه زبان اوستا سرچشمه گرفته است. نا گفته نماند که در شهرها زبان بیشتر مورد تاخت و تاز بوده و روستاها از آن تاخت و تازها بدور بودند. در زمان مغولان واژه های زیادی به زبان ما راه پیدا کرد و بویژه در آذربایجان و کناره های آن که مغولان بیشتر رفت و آمد داشتند و تاخت و تاز میکردند.

در زبان پارسی امروز واتهای فراوانی از زبانهای بیگانه در آن یافت میشود که این راهی شده تا ما خود را از گذشتگانمان دورتر کنیم. فراموش نکنید که پارسی زبان بومیانی و بالتذگی آدمیان در چند هزاره پیش بوده و زبانی است که کتاب آسمانی از آن پدید آمد و یک زبان چکامه سرایان و هنرمندان و اندیشمندان و پادشاهانه بوده و پیامبر اسلام هم بارها برای نوشتار کتاب آسمانی خود از واژگان پارسی استفاده کرده که در وستی (تفسیر) پیشوایان دینی به آن بیشتر پرداخته شده.

برخی از واژه‌های دور از پارسی :

۱- تازی : لوح / خبیث / قلم / مرحوم / لعنت / رجیم / جمعه / اول / ثانی / حاکم / ولیعهد / فساد / التماس / جوار / حصار / شریف / قوم / اسیر / موسم / قسم / جفا / آلت / قلب / جناح / حاشا / حمله / غیب / ذلیل / قتل / طبع / قول / خص / عام / عقب / عمده / جراحت / قاعده / مشرق / غارت / عهد / تعهد / تبدیل / معلوم / سلطان / حرس / شکر / ...

2- مغولی : ارغو / اروغ / الاغ / ایراخته (امروزه در آذری مانده) / ایل / ایلچی / باشقاق / سوغات / فراغچی / نوکر / یاغی / یورت / ...

1- انگلیسی : استوپ / بتری (بطری) / ساندویچ / کوکتل / گلر / واگن / هاف بک / هاف تایم / فوروارد / باسکت بال / سنتر / ...

۲- فرانسوی : آدرس / اتومبیل / باتک / پلیت (بلیط) / پارتی / پارلمان / پلیس / پلیتیک (پلتیک) / پیانو / دموکراسی / سالن / سانسور / سوپ / سوسیالیست / سوسیالیسم / کابینه / کتلت / کمیسیون / کلاس / لامپ / ماشین / مد / مرسی / موزیک / نمره / ...

۳- روسی : چرتکه / درشکه / روبل / سماور / شوشکه / کالسکه / منات / استکان / اسکاس / ...

چکیده ی نشانی های این فرهنگ بدینسان است :

۱- (پارسی پهلوی) نمودار واژه های پهلوی است.